

مجموعه مقالات همایش بین المللی امام علی (ع)  
الگوی عدالت و معنویت برای جهان امروز

# امام علی (ع) و حقوق انسانی

به کوشش حمیدرضا مطهری

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



## فهرست مطالب

سخنی با خواننده.....	۱۵
حقوق شهروندی در سیره حکومت‌داری امام علی 7 (با نظریه آموزه‌های قرآن کریم).....	۱۹
محمد داودآبادی	
چکیده.....	۱۹
مقدمه.....	۲۱
۱. مفهوم شناسی.....	۲۱
۱-۱. شهروند.....	۲۱
۱-۲. حقوق.....	۲۱
۱-۳. مفهوم اصطلاحی حقوق شهروندی.....	۲۲
۲. الگوی تحلیل مبانی حقوق شهروندی.....	۲۲
۳. حقوق شهروندی در نهج البلاغه.....	۲۴
۳-۱. بستر حقوق شهروندی در نهج البلاغه.....	۲۴
۳-۲. مبانی حقوق شهروندی در نهج البلاغه.....	۲۷
۳-۳. محتوای حقوق شهروندی.....	۲۸
۳-۳-۱. امنیت جامعه اسلامی.....	۲۹

- ۳۱.....رفاه اجتماعی. ۳-۳-۲
- ۳۴.....فقرزدایی. ۳-۳-۳
- ۳۶.....نظارت بر قاضیان. ۳-۳-۴
- ۳۷.....نظارت بر کارگزاران اقتصادی. ۳-۳-۵
- ۳۷.....توجه به عمران و آبادانی برای تسهیل تولید. ۳-۳-۶
- ۳۸.....اصلاح نظام مالیاتی. ۳-۳-۷
- ۴۰.....عمق حقوق شهروندی در نهج البلاغه
- ۴۱.....نوع حقوق شهروندی در نهج البلاغه. ۳-۵
- ۴۲.....گسترده حقوق شهروندی در نهج البلاغه. ۳-۶
- ۴۴.....غایت حقوق شهروندی در نهج البلاغه. ۳-۷
- ۴۵.....نتیجه‌گیری
- ۴۸.....کتابنامه
- ۵۱.....حقوق اجتماعی شهروندان از منظر امیر مؤمنان 7 با تکیه بر نهج البلاغه
- احسان ابراهیمی، حسین اشرفی
- ۵۱.....چکیده
- ۵۳.....مقدمه
- ۵۴.....۱. تعریف مفاهیم
- ۵۴.....۱-۱. حقوق اجتماعی
- ۵۶.....۱-۲. شهروند
- ۵۷.....۲-۳. حقوق شهروندی
- ۵۷.....۲. پیشینه تحقیق
- ۵۸.....۳. حقوق شهروندان جامعه از منظر امیر مؤمنان 7

## فهرست مطالب ۷

۵۸	۳-۱. حقوق علمی - فرهنگی شهروندان
۵۹	۳-۱-۱. بهره‌مندی همگان از آموزش و پرورش فراگیر
۶۰	۳-۱-۲. برخورداری از فرهنگ عمومی صحیح
۶۱	۳-۱-۳. آزادی در انتقاد صحیح از دیگران
۶۲	۳-۱-۴. آزادی در حق‌گرایی
۶۳	۳-۲. حقوق مادی و اقتصادی شهروندان
۶۴	۳-۲-۱. بهره‌مندی عموم مردم از کار و فرصت‌های شغلی
۶۵	۳-۲-۲. برخورداری از کشاورزی و صنعت و تجارت توسعه‌یافته
۶۶	۳-۲-۳. داشتن ایمنی و نظم در بازار داد و ستد
۶۷	۳-۳. حقوق اجتماعی و قضایی شهروندان
۶۷	۳-۳-۱. برخورداری همگان از عدالت اجتماعی
۶۸	۳-۳-۲. امنیت در برخورداری از حقوق گوناگون
۶۹	۳-۳-۳. بهره‌مندی همگان از روحیه همدلی و وحدت
۷۰	۳-۳-۴. برخورداری از حقوق قضایی درست و قانونی
۷۲	۳-۴. حقوق حاکمیتی و سیاسی شهروندان
۷۳	۳-۴-۱. برخورداری از آزادی قانون‌مند
۷۴	۳-۴-۲. بهره‌مندی از امنیت همه‌جانبه
۷۵	نتیجه‌گیری
۷۷	کتابنامه
۷۹	راهکارهای تحقق عدالت قضایی از منظر امام علی ۷
	مصطفی مسعودیان
۷۹	چکیده

مقدمه	۸۰
۱. مفهوم عدالت قضایی	۸۱
۲. راهکارهای تحقق عدالت قضایی	۸۴
۱-۲. به‌کارگیری نیروهای قضایی و اداری شایسته	۸۴
۲-۲. نظارت مستمر و کارآمد بر نیروهای قضایی و اداری	۸۷
۲-۳. تکریم مقام قاضیان و جلوگیری از اعمال نفوذ بر آنان	۸۸
۲-۴. ایجاد نظام پاداش و تنبیه	۹۰
۲-۵. تفریق شهود و متهمان	۹۲
۲-۶. کشف علمی جرایم	۹۵
نتیجه‌گیری	۹۶
کتابنامه	۹۸

## نگاهی کاربردی به اصول حاکم بر دادرسی های امام علی 7 با تأکید بر موازین فقهی و حقوقی ... ۱۰۱

محمدجواد حیدریان دولت‌آبادی

چکیده	۱۰۱
مقدمه	۱۰۳
۱. اصول حاکم بر دادرسی های امام علی 7	۱۰۳
۱-۱. تساوی در امر دادرسی	۱۰۳
۱-۲. علنی بودن جلسات دادرسی	۱۰۷
۱-۳. اصول دادرسی در رابطه با متهم	۱۱۰
۱-۳-۱. آزادی متهم در دفاع از خویش و حق گرفتن وکیل	۱۱۰
۱-۳-۲. توجه به شخصیت متهم برای تعیین واکنش مناسب جزایی	۱۱۲
۱-۳-۳. حضوری بودن جلسات	۱۱۳



فهرست مطالب ۹

۱۱۴	۴-۳-۱. اصل منع شکنجه متهمان در اثنای بازجویی
۱۱۴	۵-۳-۱. استفاده از ابزار فنی و علمی در کشف جرم
۱۱۷	۲. کیفیت دادرسی و صدور حکم
۱۱۸	۳. انواع ادله اثبات دعوا
۱۱۸	۱-۳. اقرار
۱۲۲	۲-۳. بینه
۱۲۴	۳-۳. قسم
۱۲۴	۴-۳. علم قاضی
۱۲۶	۵-۳. قرعه
۱۲۷	نتیجه گیری
۱۲۸	کتابنامه
۱۳۱	پژوهشی در جایگاه و حقوق خانواده از منظر امام علی 7
محمد ادیبی، احمد صابری مجد	
۱۳۱	چکیده
۱۳۳	مقدمه
۱۳۴	۱. حق ازدواج برای تشکیل خانواده
۱۳۵	۲. اهمیت خانواده در جامعه
۱۳۷	۲. ترغیب و تشویق به تشکیل خانواده
۱۳۸	۳. تأمین نیازهای مالی برای تشکیل خانواده
۱۳۹	۴. نقش حکومت در ادای حق تشکیل خانواده
۱۴۰	۵. صیانت از حق زن در خانواده
۱۴۲	۶. مسئولیت پدر در خانواده

۱۴۳	۷. صیانت از حقوق پدر و مادر
۱۴۴	۸. حق کودکان در خانواده
۱۴۶	نتیجه گیری
۱۴۷	کتابنامه

پژوهشی در حقوق فردی و اجتماعی زن از منظر امام علی 7

سید عبدالرحیم حسینی، احمد صابری مجد

۱۴۹	چکیده
۱۵۱	مقدمه
۱۵۲	۱. تعریف مفاهیم
۱۵۲	۱-۱. حق در لغت و اصطلاح فقهی و قانونی
۱۵۳	۱-۲. مفهوم حق از منظر امام علی 7
۱۵۳	۲. جایگاه زن از نگاه امام علی 7
۱۵۸	۳. حقوق فردی زن از منظر امام علی 7
۱۶۰	۳-۱. حق صیانت از زندگی زن
۱۶۱	۳-۲. حقوق معنوی و امنیت زن
۱۶۳	۴. حقوق اجتماعی زن از منظر امام علی 7
۱۶۵	۴-۱. حق برابری و آزادی قانونی
۱۶۶	۴-۲. حق مشارکت سیاسی
۱۶۷	۴-۳. حق کار
۱۶۹	نتیجه گیری
۱۷۱	کتابنامه

فهرست مطالب ۱۱

واکاوی سیره قرآنی امام علی 7 در برخورد با اقلیت‌های دینی..... ۱۷۵

یدالله حاجی زاده، مجید احمدی کچایی

چکیده..... ۱۷۵

مقدمه..... ۱۷۶

۱. مفهوم‌شناسی..... ۱۷۸

۱-۱. سیره..... ۱۷۸

۱-۲. اقلیت‌های دینی..... ۱۷۸

۱-۳. اهل ذمه..... ۱۷۹

۲. رفتارهای امام علی 7 با اقلیت‌های دینی..... ۱۸۰

۲-۱. اعطای آزادی دینی به اهل ذمه..... ۱۸۰

۲-۲. حفظ امنیت جانی و مالی اهل ذمه..... ۱۸۲

۲-۴. خوش رفتاری با اهل ذمه..... ۱۸۶

۲-۴. احترام به حقوق اهل ذمه..... ۱۹۲

نتیجه‌گیری..... ۱۹۵

کتابنامه..... ۱۹۷

نقش و جایگاه «عدالت» و «محبت» در حقوق اقلیت‌ها از دیدگاه امام علی 7..... ۲۰۱

جواد ایروانی

چکیده..... ۲۰۱

مقدمه..... ۲۰۲

۱. عدالت..... ۲۰۲

۱-۱. جایگاه عدالت..... ۲۰۲

۱-۲. اهتمام امام علی 7 به اجرای عدالت..... ۲۰۴

- ۳-۱. اجرای عدالت برای اقلیت‌های دینی ..... ۲۰۶
۲. محبت ..... ۲۰۷
۳. مطلوبیت حُسن تعامل اجتماعی با اهل کتاب مسالمت‌جو ..... ۲۱۱
۴. مطلوبیت کمک مالی به کافران نیازمند ..... ۲۱۴
۵. پاسخ به چند پرسش ..... ۲۱۵
- ۱-۵. پرسش اول: معنا و مبنای قتال با اهل کتاب ..... ۲۱۵
- ۲-۵. پرسش دوم: نفی ولایت محبت نسبت به اهل کتاب ..... ۲۱۸
- ۳-۵. پرسش سوم: ناسازگاری عدالت با قاعده نفی سبیل ..... ۲۲۱
- نتیجه‌گیری ..... ۲۲۲
- کتابنامه ..... ۲۲۴
- امام علی 7 یگانه مرجع برای فریاد بی‌صدای اقلیت‌ها در عصر غیبت ..... ۲۲۷
- لیلا کردی
- چکیده ..... ۲۲۷
- مقدمه ..... ۲۲۹
۱. شروط پذیرش قرارداد ذمه ..... ۲۲۹
۲. اوضاع اقلیت‌ها قبل از حکومت و در زمان حکومت امام علی 7 ..... ۲۳۲
۳. آزادی و حفظ کرامت ..... ۲۳۴
۴. عدالت اقتصادی ..... ۲۳۶
۵. عدالت اجتماعی ..... ۲۴۱
۶. زنان در سایه سار حکومت امام علی 7 ..... ۲۴۵
- نتیجه‌گیری ..... ۲۴۷
- کتابنامه ..... ۲۴۹

تعامل علی 7 با اهل ذمه ..... ۲۵۳

حسین علی بیگی

چکیده ..... ۲۵۳

مقدمه ..... ۲۵۴

۱. پیشینه موضوع پژوهش ..... ۲۵۵

۲. توصیه های امام علی 7 به کارگزاران سیاسی اش در رابطه با چگونگی تعامل با اهل ذمه ..... ۲۵۶

۳. حقوق و آزادی های اجتماعی - مدنی اهل ذمه ..... ۲۵۸

۴. محدودیت های اجتماعی اهل ذمه ..... ۲۶۷

نتیجه گیری ..... ۲۶۸

کتابنامه ..... ۲۶۹

حقوق بشر دوستانه در سیره امام علی 7 ..... ۲۷۳

حمیدرضا مطهری

چکیده ..... ۲۷۳

مقدمه ..... ۲۷۵

۱. ارزش ذاتی انسان ..... ۲۷۶

۲. رعایت اصول جوانمردانه در جنگ ..... ۲۷۷

۳. زنان و کودکان ..... ۲۷۹

۴. افراد ناتوان ..... ۲۸۰

۵. افراد خارج از جنگ ..... ۲۸۲

۶. حفظ اموال غیر نظامیان ..... ۲۸۴

نتیجه گیری ..... ۲۸۵

کتابنامه ..... ۲۸۶

نمایه‌ها

۲۸۹	آیات
۲۹۴	روایات
۳۰۲	موضوعات
۳۲۱	اعلام و مشاهیر
۳۲۵	کتاب‌ها
۳۲۶	مقالات
۳۲۷	تتالگان

## راهکارهای تحقق عدالت قضایی از منظر امام علی 7

مصطفی مسعودیان\*

### چکیده

از مهم ترین اهداف قانونگذاری در هر نظام حقوقی احقاق حق و اجرای عدالت است. در مسیر تحقق این هدف موانعی وجود دارد که اجرای عدالت قضایی را کند یا منحرف می‌سازد؛ از این رو اولین قدم در راه اجرای عدالت قضایی، شناسایی موانع و ارائه راهکار جهت رفع آنهاست. مطالعه خطبه‌ها، نامه‌ها و سخنانی که از امام علی 7 بر جای مانده، بیانگر توجه خاص ایشان به عدالت قضایی و راهکارهایی برای تحقق آن است. در این مقاله که به روش توصیفی - تحلیلی نگاشته شده، ضمن بررسی مفهوم عدالت قضایی، راهکارهای تحقق آن در سیره و سخنان علوی شناسایی شده است تا با به‌کار بستن آنها زمینه‌های فعلیت یافتن حداکثری عدالت در نظام قضایی ایران فراهم گردد.

کلید واژگان: عدالت، عدالت قضایی، راهکارها، امام علی 7.

---

\*استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه شاهد (m.masoudian@shahed.ac.ir).

## مقدمه

از جمله مهم‌ترین شاخص‌های داوری درباره هر نظام سیاسی دستگاه قضایی آن است، به عبارت دیگر هر قدر دستگاه قضایی یک کشور توفیق انجام رسالت خود یعنی تحقق عدالت قضایی در جامعه را پیدا کند، نشانگر کارآمدی و قدرت آن نظام سیاسی خواهد بود و بالعکس، اگر در انجام وظایف خود کندی یا ضعف نشان دهد، می‌تواند دلیلی بر ناکارآمدی آن نظام در اداره جامعه تلقی گردد. در طول تاریخ زندگی بشر اجرای عدالت قضایی همیشه با چالش‌ها و موانعی مواجه بوده است؛ لذا همواره یکی از دغدغه‌های اندیشمندان هر جامعه شناسایی موانع اجرای عدالت قضایی و ارائه راهکار برای رفع آن بوده است.

به گواهی تاریخ، یکی از دوره‌های درخشان در تحقق عدالت قضایی دوران حکومت حضرت علی 7 بوده است. آن حضرت در همان اوایل حکومت بالاترین انگیزه در پذیرفتن زمامداری مسلمانان را اجرای عدالت و احقاق حقوق مظلومان می‌دانست و فرمود: «قسم به خدایی که دانه را شکافت و جان را آفرید، اگر حضور فراوان بیعت‌کنندگان نبود و یاران حجت را بر من تمام نمی‌کردند و اگر خداوند از علما عهد و پیمان نگرفته بود که در برابر شکم‌بارگی ستمگران و گرسنگی مظلومان سکوت نکنند، مهار شتر خلافت را بر کوهان آن می‌انداختم و آخر خلافت را به کاسه اول آن سیراب می‌کردم؛ آن‌گاه می‌دیدید که دنیای شما نزد من از آب بینی بز بی‌ارزش‌تر است».<sup>۱</sup>

آن حضرت پس از رسول خدا 9 پیشوای حق‌طلبان و عدالت‌خواهان و برترین نمونه در اجرای عدالت به شمار می‌رود؛ تا آنجا که برخی ایشان را شهید راه عدالت نامیده‌اند: «قُتِلَ عَلِيٌّ فِي مِحْرَابٍ عِبَادَتِهِ لِسُدَّةِ عَدْلِهِ»<sup>۲</sup> سؤال مهمی که در اینجا وجود

۱. نهج البلاغه؛ خطبه ۳.

۲. جرداق؛ امام علی 7 صدای عدالت انسانی؛ ص ۶۲.



دارد، این است از نظر امیر مؤمنان 7 موانع تحقق عدالت قضایی چیست و چه راهکارهایی برای رفع این موانع وجود دارد.

گرچه تا کنون در خصوص سیر قضایی امیرالمؤمنین 7 آثاری همچون قضاوت‌های امیرالمؤمنین علی 7 و «ارزیابی اخبار قضاوت‌های امیرالمؤمنین علی 7 به رشته تحریر درآمده است، این مقاله سعی دارد با نگاهی نو و هدفمند ضمن تبیین مفهوم عدالت قضایی، مهم‌ترین موانع و راهکارهای تحقق عدالت قضایی در سیره و سخنان حضرت علی 7 را شناسایی و بررسی کند تا با به‌کار بستن آن راهکارها، بستر لازم برای تحقق عدالت قضایی در کشور فراهم گردد.

#### 1. مفهوم عدالت قضایی

«عدالت قضایی» ترکیبی اضافی است که از دو واژه «عدالت» و «قضایی» تشکیل شده است. واژه «عدل» در لغت به معنای مساوات، برابری بین دو چیز و انصاف آمده است.<sup>1</sup> صاحب کتاب لسان العرب نیز در ذیل این واژه می‌نویسد: «عدل واژه‌ای عربی به معنای مستقیم و متضاد جور است و اگر گفته می‌شود - حاکم در حکم خود عدالت به خرج داد-، بدین معناست که اقدام به گسترش عدل خود کرد».<sup>2</sup>

مرحوم علامه طباطبایی در یک جا عدالت را پرداختن حق هر صاحب حق و قراردادن آن در جایگاهی که سزاوار اوست، می‌داند<sup>3</sup> و در جای دیگر، حقیقت عدالت را برپاداشتن مساوات و برقراری موازنه بین امور دانسته، به گونه‌ای که هر چیزی سهم خویش را داشته باشد و در همه امور مورد استحقاق خویش متساوی گردند.<sup>4</sup> شهید

1. فخرالدین طریحی؛ مجمع البحرین؛ ص 135. مصطفی ابراهیم؛ المعجم الوسیط؛ ص 588.

2. ابن منظور؛ لسان العرب؛ ص 83.

3. محمدحسین طباطبایی؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ص 371.

4. همان، ص 353.

مطهری نیز در یک جا با استفاده از روایتی از حضرت علی <sup>۷</sup> نتیجه عدالت را «وَضَعُ الْأُمُورَ فِي مَوَاضِعِهَا»<sup>۲</sup> دانسته و در جای دیگر آن را به «إِعْطَاءُ كُلِّ ذِي حَقِّ حَقَّهُ»<sup>۳</sup> معنا کرده است. از نظر علامه محمدتقی جعفری، جامع‌ترین تعاریف در مورد عدالت تعریف عدالت به «رفتار مطابق با قانون»<sup>۴</sup> است؛ زیرا می‌تواند شامل همه رفتارها و پدیده‌های عادلانه باشد. حضرت امیر ۷ در نامه ۵۳ نهج البلاغه نیز همین معنا از عدالت را مورد تأکید قرار داده است: «به قضات شهر ابلاغ کن که هر حکمی را که در آن اختلاف دارند، نزد تو بفرستند؛ سپس آن حکم‌ها را بررسی کن و هر کدام را موافق کتاب خدا و سنت پیامبر و سخن امام تو بود، را امضا و تنفیذ کن و ایشان را بر عمل به آن وادار ساز. در مورد آنچه بر تو مشتبه شده نیز فقها را جمع کن و با آنان در این باب سخن بگو؛ سپس آنچه را فقها در محضر تو بر آن یک سخن شده‌اند، بپذیر؛ زیرا هر امری که در آن اختلاف شود، به حکم امام برگردانده می‌شود و بر امام است که با استعانت از خدا، در اقامه حدود و واداشتن مردم به فرمان خدا کوشش کند». شاید بتوان گفت تمام این تعاریف در جای خود درست است و در واقع هر یک برداشتی از حقیقت عدالت را می‌رساند؛ لکن جامع‌ترین تعریفی که از عدالت ارائه شده و مناسب موضوع بحث ما نیز هست، تعریف عدالت به «رفتار مطابق با قانون» است؛ بدین معنا که زندگی اجتماعی انسان دارای قوانین و مقرراتی است که برای بهبود آن زندگی وضع شده‌اند. رفتارکردن

۱. حضرت علی ۷ در حکمت ۴۲۷ نهج البلاغه ضمن پاسخ به پرسشی، عدالت را به دو دلیل برتر و بافضیلت‌تر از جود و بخشش دانسته است. دلیل اول آن است که اگر عدالت جاری شود و هر کسی جایگاه واقعی خود را بیابد، دیگر نیازی به جود و بخشش نیست؛ زیرا بخشش غالباً زمانی است که جامعه دچار نقصان و عدم توازن گردد که در بیشتر موارد ناشی از ظلم است و دلیل دیگر آنکه عدالت، قانونی عمومی است و قابل تسری به عموم افراد جامعه است؛ ولی جود حالت استثنایی دارد و فراگیر نیست.

۲. مرتضی مطهری؛ بیست گفتار؛ ص ۹.

۳. همو، اسلام و مقتضیات زمان؛ ص ۳۳۶.

۴. محمدتقی جعفری؛ ترجمه و تفسیر نهج البلاغه؛ ص ۲۵۴.

مطابق با آن قوانین عدالت است و سرپیچی یا بی‌توجهی به آنها ظلم و ستم تلقی می‌شود.

برای «قضا» نیز معانی متعددی ذکر شده که در این پژوهش، مفهوم «حکمیّت و دادرسی»<sup>۱</sup> مدّ نظر است؛ بنابراین از مجموع این تعاریف می‌توان «عدالت قضایی» را رعایت قانون در مقام دادرسی و قضاوت یا به تعبیر دیگر، رفتار مطابق با قانون در دستگاه قضایی دانست. منظور از قانون نیز اعمّ از قوانین شرعی و قوانین موضوعه در کشور است.

در اینجا لازم است اصطلاح «عدالت قضایی» از واژگان مشابهی نظیر «عدالت کیفری» و «عدالت حقوقی» تمییز داده شود تا از به‌کارگیری آنها به‌جای یکدیگر اجتناب گردد؛ زیرا هر کدام از آنها مربوط به حوزه‌ای خاص از عدالت هستند و از نظر معنایی با یکدیگر تفاوت دارند. عدالت کیفری به تعیین میزان کیفر به تناسب خسارت وارد شده به جامعه در اثر خطای مجرم تعریف شده است.<sup>۲</sup> درحقیقت هدف عدالت کیفری این است که کیفر و مجازات بر اساس عدالت باشد؛ اما هدف عدالت قضایی پیاده‌سازی عدالت پس از وقوع یک جرم تا مرحله رسیدگی و اجرای حکم است. تعریف خواجه نظام‌الملک طوسی از «عدالت» به «تناسب جرم و مجازات»<sup>۳</sup> و تأکید افلاطون بر اینکه کیفر باید دارای وصف عدالت باشد<sup>۴</sup> نیز ناظر به عدالت کیفری است؛ اما عدالت حقوقی اعم از عدالت قضایی است و نمودار تمام واقعیت‌های قانونی، اجتماعی و روانی است که مراحل گوناگون قانونگذاری، تفسیر و اجرای قانون را در بر می‌گیرد. درواقع عدالت حقوقی اقسام متعدد عدالت تقنینی، قضایی، کیفری و عدالت در گستره حقوق عمومی

۱. سیدمحمدکاظم یزدی طباطبایی؛ العروة الوثقی؛ ص ۲. شهید ثانی؛ الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة؛ ص ۶۱.

۲. برنارد بولک؛ کیفرشناسی؛ ص ۳۰.

۳. حسن بن علی طوسی؛ سیاست‌نامه؛ ص ۵۸.

۴. افلاطون؛ جمهور؛ ص ۲۳۶.

(عدالت سیاسی) را شامل می‌شود.<sup>۱</sup> با این توضیح می‌توان گفت: عدالت قضایی یکی از اقسام عدالت حقوقی و به معنای رعایت قانون در مقام قضاوت و دادرسی است؛ از این رو پس از وقوع جرم یا تضییع حق، هر عملی که به قصد اخلال در روند اجرای عدالت قضایی صورت گیرد و این قابلیت را داشته باشد که تحقق عدالت قضایی را ناممکن سازد یا موجب انحراف دادرسی گردد، مانعی در اجرای عدالت قضایی محسوب می‌شود.

## ۲. راهکارهای تحقق عدالت قضایی

تحقق عدالت قضایی وقتی امکان‌پذیر است که موانع اجرای آن شناسایی و رفع گردد؛ چه آنکه وجود این موانع باعث ناکارآمدی دستگاه قضایی و بی‌اعتبار شدن آن می‌شود. بدهی است، دستگاه قضایی که باید پشتیبان و حافظ حقوق مردم و پناهگاه بزه‌دیدگان باشد، چنانچه اعتبار خود را بدین صورت از دست بدهد، موجب ناامیدی مردم، گسترش هرج و مرج، رواج انتقام خصوصی و گسترش زمینه‌های وقوع جرم می‌شود. بدون تردید صرف شناسایی موانع تحقق عدالت قضایی کافی نیست؛ بلکه ارائه راهکار رفع این موانع لازم و ضروری است؛ لذا در ادامه با عنایت به سیره قضایی امیرالمؤمنین 7 مهم‌ترین راهکارهایی که می‌تواند در رفع موانع تحقق عدالت قضایی مؤثر باشد، تبیین خواهد شد.

### ۱- ۲. به‌کارگیری نیروهای قضایی و اداری شایسته

در روند رسیدگی به پرونده، قضات به‌طور مستقیم و کارمندان اداری به‌طور غیرمستقیم نقش مهمی دارند و هرچه سطح علمی آنان بالاتر و تجربه‌شان بیشتر باشد، بهتر می‌توانند دستگاه قضایی را در رسیدن به اهداف خود یاری دهند و برعکس،

۱. ناصر قربان‌نیا؛ عدالت حقوقی؛ ص ۴۸.

اگر سطح کیفی لازم را نداشته باشند، ممکن است باعث کندی حرکت در مسیر تحقق عدالت قضایی شوند؛ به عبارت دیگر قاضی قلب دستگاه قضایی است و سلامت او سبب سلامت سایر عوامل انسانی مؤثر در دادرسی و فساد و ناکارآمدی او موجب رواج بی‌عدالتی و تجاوز به حقوق دیگران خواهد شد؛ از این رو در اکثر کشورها شرایط متعدّد و سختی را برای انتخاب قاضی در نظر گرفته‌اند. در نظام حقوقی اسلام حساسیت در مورد انتخاب قاضی تا آنجاست که حتی سرشت و وراثت او هم نادیده گرفته نشده است و یکی از شرایط او را حلال‌زاده بودن قرار داده‌اند.<sup>۱</sup> بر همین مبنا حضرت علی 7 در خطبه ۱۷ نهج البلاغه با تأسف فراوان قضات نالایقی را که بدون تخصص و تعهد بر منصب قضاوت تکیه زده و با ظن و گمان و رأی نادرست حکم می‌کنند، مورد نکوهش قرار داده و آنان را مانعی در مسیر اجرای عدالت دانسته و فرموده اند:

در میان مردم با نام قاضی به داوری می‌نشیند و حلّ مشکلات دیگری را بر عهده می‌گیرد؛ پس اگر مشکلی پیش آید، با حرف‌های پوچ و تو خالی و رأی و نظر دروغین آماده رفع آن می‌شود؛ سپس اظهارات پوچ خود را باور می‌کند. عنکبوتی را می‌ماند که در شبها و بافته‌های تار خود چسبیده، نمی‌داند که درست حکم کرده یا بر خطاست؛ اگر بر صواب باشد می‌ترسد که خطا کرده و اگر بر خطاست، امید دارد که رأی او درست باشد. نادانی است که راه جهالت می‌پوید؛ کوری است که در تاریکی گمشده خود را می‌جوید. از روی علم و یقین سخن نمی‌گوید. روایات را بدون آگاهی نقل می‌کند. چون تندبادی که گیاهان خشک را بر باد دهد، روایات را زیرورو می‌کند، که بی‌حاصل است. به خدا سوگند، نه راه صدور حکم مشکلات را می‌داند و نه برای منصب قضاوت اهلیت دارد. آنچه را نپذیرد، علم به حساب نمی‌آورد و جز راه و رسم خویش مذهبی را حق نمی‌داند. اگر حکمی را

۱. شهید ثانی؛ الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية؛ ص ۶۲.

نداند، آن را می‌پوشاند تا نادانی او آشکار نشود. خون بی‌گناهان از حکم ظالمانه او در جوشش و فریاد میراث بربادرفتگان بلند است... .  
حضرت در جای دیگر در نکوهش خودمحوری قضات در قضاوت و حاکم نبودن قانون الهی می‌فرمایند:

دعوایی نسبت به یکی از احکام اجتماعی نزد عالمی می‌برند که با رأی خود حکمی صادر می‌کند؛ سپس همان دعوا را نزد دیگری می‌برند که او درست بر خلاف رأی اولی حکم می‌دهد، سپس همه قضات نزد رئیس خود که آنان را به قضاوت منصوب کرده، جمع می‌گردند. او رأی همه را برحق می‌شمارد؛ در صورتی که خدایشان یکی، پیغمبرشان یکی و کتابشان یکی است. آیا خدای سبحان آنها را به اختلاف امر فرمود که اطاعت کردند یا آنها را از اختلاف پرهیز داد و معصیت خدا نمودند؟ آیا خدای سبحان دین ناقصی فرستاد و در تکمیل آن از آنها استمداد کرده است؟ آیا آنها شرکای خدایند که هر چه می‌خواهند در احکام دین بگویند و خدا رضایت دهد؟ آیا خدای سبحان دین کاملی فرستاد، پس پیامبر 9 در ابلاغ آن کوتاهی ورزید در حالی که خدای سبحان می‌فرماید: «ما در قرآن چیزی را فروگذار نکردیم».<sup>۱</sup>

بنا بر آنچه بیان شد، یکی از مؤلفه‌های لازم برای رسیدن به عدالت قضایی استفاده از نیروی انسانی کارآمد در دستگاه قضایی است. انتخاب قاضیان شایسته و کارآمد همواره مورد تأکید حضرت علی 7 بوده است. ایشان در مقام بیان اوصاف قاضی در تراز اسلام خطاب به مالک اشتر می‌نویسد:

از میان مردم، برترین و شایسته‌ترین را برای قضاوت انتخاب کن؛ کسی که مراجعه فراوان او را به ستوه نیاورد و برخورد متخاصمین با یکدیگر او را خشنامک نسازد؛ در لغزش اصرار نرزد؛ وقتی حق را شناخت، در بازگشت به آن در نماند؛ در

۱. نهج البلاغه؛ خطبه ۱۷.

شناخت مطالب، به اندک تحقیقی رضایت ندهد؛ در شبهات از همه محتاط تر باشد و در یافتن دلیل، شکبیا و اصرار او از همه بیشتر باشد و پس از آشکار شدن حکم قضیه، قاطع تر از همه باشد؛ کسی که ستایش فراوان او را فریب ندهد و چرب زبانی او را منحرف نسازد و چنین کسانی بسیار اندک‌اند...<sup>۱</sup>

## ۲-۲. نظارت مستمر و کارآمد بر نیروهای قضایی و اداری

از جمله مهم‌ترین اقداماتی که می‌تواند به‌طور مستقیم در تحقق عدالت در دستگاه قضایی مؤثر باشد، نظارت و کنترل کارآمد مجموعه نیروهای قضایی و اداری است. اگر در یک جامعه، فرهنگ نظارت بر دستگاه قضایی نهادینه شده باشد، می‌تواند راهکاری مطمئن برای اجرایی شدن عدالت تلقی گردد. نظارت جدی و مستمر بر ساختار دستگاه قضایی موجب شناسایی نقاط ضعف و قدرت سیستم قضایی و ارائه راهکار مناسب جهت تحقق عدالت قضایی است.

حضرت علی 7 پس از برشمردن اوصاف قضات کارآمد، نظارت دقیق و مستمر بر ایشان را لازمه تضمین اجرای عدالت قضایی می‌داند و در نامه ۵۳ نهج البلاغه خطاب به مالک اشتر می‌نویسد: «تُمْ أَكْثَرَ تَعَاهُدَ قَضَائِهِ»؛ یعنی پس از انتخاب قاضی، هر چه بیشتر در قضاوت‌های او ببیندیش؛ همچنین آن حضرت در خصوص نظارت بر عملکرد کارگزاران حکومت به مالک اشتر چنین می‌نویسند: «مواظب کارهای آنان باش و مراقبی راستگو و وفایه بر ایشان بگمار که مراقبت پنهانی تو در کارهایشان آنها را به رعایت امانت و مهربانی با رعیت وادار می‌کند». ایشان نه تنها به استانداران و نمایندگان خود در مناطق مختلف این مطلب را گوشزد کردند و درباره تخلف از آن هشدار می‌دادند، بلکه به منظور حاکمیت اجرای عدالت در جامعه، خودشان افرادی را برای پیگیری امور مربوط به اداره

---

۱. همان، نامه ۵۳.

کشور و نظارت بر چگونگی عملکرد والیان به مناطق مختلف می‌فرستادند. در سیره عملی حضرت می‌توان نظارت مستمر و کارآمد ایشان بر عملکرد قاضیان و کارگزاران حکومت را به وضوح مشاهده کرد؛ برای نمونه ابوالاسود دوئلی تنها قاضی حکومت علی 7 بود که در همان روز اول قضاوت عزل شد. چون فرمان عزل را دریافت کرد، خدمت حضرت امیرالمؤمنین آمد و گفت: به خدا قسم نه خیانت کرده‌ام و نه به خیانت متهم شدم. چرا مرا عزل کردی؟ امام فرمود: درست می‌گویی و تو مردی امین و باایمانی؛ اما بازرسان من اطلاع داده‌اند که چون طرفین دعوی به محکمه می‌آیند، تو بلندتر از ایشان سخن می‌گویی و در گفتار درشتی می‌کنی.<sup>۱</sup> این بیان حضرت نشانگر آن است که ایشان به امور قضاوت حساس بود و بازرسان آن حضرت همه‌جا حضور داشتند و رفتار قضات را کنترل می‌کردند و به حضرت گزارش می‌دادند.

### ۲-۳. تکریم مقام قاضیان و جلوگیری از اعمال نفوذ بر آنان

مطالعه سیره حکومتی حضرت علی 7 نشان می‌دهد که قبل از تصدی حکومت توسط حضرت، بین قوای حکومتی تفکیکی وجود نداشت؛ لکن ایشان برای جلوگیری از نفوذ و فشار حکام و مجریان بر این دستگاه قضایی، این دستگاه را از سایر قوا مستقل کرد تا محکمه از اعمال نفوذ مصون باشد.<sup>۲</sup> حضرت در نامه ۵۳ نهج البلاغه صراحتاً درباره خطر اعمال نفوذ متنفذان در دستگاه قضاوت هشدار می‌دهد و خطاب به مالک اشتر می‌نویسد: «وأعطه من المنزله لديك ما لا يطمع فيه غيره من خاصتك ليأمن بذلك اغتيال الرجال له عندك: پس از انتخاب قاضی، از نظر مقام و منزلت آن‌قدر او را گرامی دار که نزدیکان تو به نفوذ در او طمع نکنند تا از توطئه آنان در نزد تو در امان باشند».

۱. ابن‌الاکوه، معالم القرية في أحكام الحسبه؛ ص ۲۰۳.

۲. سیدمحمد فاضلی؛ عدالت اجتماعی از منظر امام علی 7؛ ص ۶۹.



اساساً کسی که در مسند قضاوت قرار می‌گیرد، نباید دغدغه‌ای جز احقاق حق داشته باشد؛ بلکه باید متناسب با نیازش، از نظر مادی تأمین شود تا از فساد مالی و ارتشاکه یکی از مهم‌ترین موانع تحقق عدالت قضایی است، در امان باشد؛ چه آنکه از دیدگاه حضرت علی 7، وجود رشوه در مقام قضاوت از عوامل پایمال شدن حق و عدالت به شمار می‌آید. ایشان در خطبه 131 نهج البلاغه می‌فرمایند: «سزاوار نیست حاکم در حکم و قضاوت رشوه گیرد، مالی را گرفته، حق را باطل یا باطلی را حق گرداند تا حقوق مردم از بین برود و حکم شرع را بیان ننماید»؛ بر همین اساس حضرت در مقام پرهیز از رشوه‌خواری به رفاعه والی اهواز می‌فرماید: «از قبول هدایا و تحفه‌ها از طرفین دعوا پرهیز». 1 ایشان پس از به دست گرفتن خلافت در نامه‌ای به فرماندهان لشکر می‌نویسد: «همانا ملت‌های پیش از شما بدان جهت که حق مردم را نپرداختند، به هلاکت رسیدند. پس دنیا را با رشوه‌دادن به دست آوردند و مردم را به راه باطل بردند و آنان اطاعت کردند». 2 سیره حضرت بیانگر آن است که ایشان برای امر قضاوت در معرض رشوه قرار گرفته و راشی با واکنش شدید حضرت مواجه شده است. اشعث بن قیس با مردی دعوا داشت و بنا بود در محکمه علی 7 حاضر و محاکمه شود. شب‌هنگام حلوایی آماده کرد و برای حضرت برد تا از این راه امتیازی برای محاکمه فردا به دست آورد. امام 7 در را گشود و نگاهی به حلوا کرد و فرمود: هدیه است یا زکات یا صدقه که این دو بر ما اهل بیت پیامبر 9 حرام است. گفت: نه زکات است نه صدقه؛ بلکه هدیه است. حضرت رو به اشعث کرد و فرمود: «زنان بچه‌مرده بر تو بگریند؛ آیا از راه دین وارد شدی که مرا بفریبی؟ یا عقلت آشفته شده یا جن زده شدی یا هذیان می‌گویی؟ به خدا سوگند، اگر هفت اقلیم را با آنچه در زیر آسمان‌هاست، به من دهند تا خدا را نافرمانی کنم که پوست جوی را از

1. میرزا حسین محدث نوری؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ ص 347.

2. نهج البلاغه؛ نامه 79.

مورچه‌ای ناروا بگیرم، چنین نخواهم کرد. همانا این دنیای آلوده شما نزد من از برگ جویده‌شده دهان ملخ پست‌تر است. علی را با نعمت‌های فناپذیر و لذت‌های ناپایدار چه کار؟ از خفتن عقل و زشتی لغزش‌ها به خدا پناه می‌بریم و از او یاری می‌جوییم»<sup>۱</sup>.

بر همین اساس است که در تعالیم دینی به تأمین معیشت قاضی توجه خاصی شده است؛ تا جایی که حضرت علی 7 در نامه ۵۳ نهج البلاغه خطاب به مالک اشتر می‌نویسد: «پس از انتخاب قاضی آن قدر به او ببخش که نیازهای او برطرف گردد و به مردم نیازمند نباشد». این دستور در خصوص تأمین مایحتاج قاضی درباره هیچ‌کدام از کارگزاران دولتی صادر نشده<sup>۲</sup> و حاکی از اهمیت و ضرورت تأمین نیازهای قضات است. حضرت علی 7 در نامه ۵۳ نهج البلاغه درباره نفوذناپذیری قضات در مقابل متنفذین خطاب به مالک اشتر می‌نویسد: «پس از انتخاب قاضی، از نظر مقام و منزلت آن قدر او را گرامی دار که نزدیکان تو به نفوذ در او طمع نکنند تا از توطئه آنان در نزد تو در امان باشد». این موضوع بیانگر آن است که بین تکریم منزلت قضات در جامعه و نفوذناپذیری آنان رابطه معناداری وجود دارد. تکریم قضات در جامعه باعث مناعت طبع و نیز دلبستگی ایشان به دستگاه قضایی می‌شود و این موضوع می‌تواند تا حد زیادی قاضی را از خطر اعمال نفوذ افراد مصون نگه دارد.

#### ۴-۲- ایجاد نظام پاداش و تنبیه

نظارت بر دست‌اندرکاران امر قضا وقتی مفید و موثر است که به تشویق افراد شایسته و تنبیه متخلفان منتهی شود. تتبع در سیره حکومتی حضرت علی 7 بیانگر آن است که سیستم پاداش و تنبیه جایگاه ویژه‌ای نزد ایشان داشته است. در این خصوص حضرت امیر 7 در نامه‌ای خطاب به مالک اشتر می‌نویسد: «هرگز نیکوکار و بدکار در نظرت

۱. نهج البلاغه؛ خطبه ۲۲۴.

۲. محمد مصدق؛ «معیار گزینش قاضی از دیدگاه نهج البلاغه»؛ ص ۱۸.

یکسان نباشند؛ زیرا نیکوکاران در نیکوکاری بی‌رغبت و بدکاران در بدکاری تشویق می‌گردند، پس هر کدام از آنان را بر اساس کردارشان پاداش ده. ... با تحسین و حق‌شناسی، خویشتن را با مأموران درستکار خود مرتبط کن، خدمات صادقانه آنان را به زبان بیاور و صریحاً قدردانی نما؛ زیرا تحسین و حق‌شناسی، مردان شجاع را در راه نیکوکاری تهییج می‌کند و مسامحه‌کاران را به خواست خدا به جنبش و حرکت وا می‌دارد.<sup>۱</sup>

آن حضرت هنگامی که متوجه خیانت زیاد بن ابیه، جانشین حاکم بصره (عبدالله بن عباس) می‌شود، در نامه‌ای خطاب به وی می‌نویسد: «به خدا سوگند، اگر به من خبر دهند که تو در حق مسلمانان خیانت کرده‌ای، چه کم و چه زیاد، چنان بر تو سخت گیرم که فقیر و درمانده از مخارج زندگی و ندار و پریشان حال گردی».<sup>۲</sup>

ایشان در اجرای عدالت و نظارت بر اعمال قضات تا آنجا حساس بود که بخشش‌های نابجا، بنای خانه مجلل و جمع‌آوری اموال شخصی بناحق را از جانب آنان نادیده نمی‌گرفت؛ برای نمونه وقتی به امام خیر رسید که شریح بن حارث که از جانب ایشان قاضی بود، خانه‌ای به قیمت هشتاد دینار خریده و برای آن قبالة نوشته و در آن چند تن را گواه گرفته است، او را احضار نمود و مورد بازخواست قرار داد که اگر آن خانه را با مال دیگران یا پول حرام خریده باشد، خانه دنیا و آخرت را از دست داده است.<sup>۳</sup>

نکته قابل توجه آنکه در سیره حکومتی حضرت علی 7 تشویق مقدم بر تنبیه است و شامل تمامی اقسام و شیوه‌های تشویق یعنی گفتاری، کتبی و عملی است؛ برای نمونه عمر بن ابی سلمه مدتی والی بحرین بود و در مدت مسئولیت خود کارنامه درخشانی بر

۱. نهج البلاغه؛ نامه ۵۳.

۲. همان، نامه ۲۰.

۳. همان، نامه ۳.

جای نهاد. وقتی امام 7 تصمیم به اعلان جنگ صفین گرفت، نعمان بن عجلان را به جای او به فرمانداری بحرین گمارد و او را برای شرکت در جنگ فراخواند. به همین مناسبت در نامه‌ای به او نوشت

پس از یاد خدا و درود، همانا من نعمان بن عجلان زرقی را به فرمانداری بحرین نصب کردم، بی آنکه سرزندی و نکوهشی برای تو وجود داشته باشد و تو را از فرمانداری آن سامان گرفتم. به راستی تا کنون زمامداری را به نیکی انجام دادی و امانت را پرداختی. پس به سوی ما حرکت کن، بی آنکه مورد سوءظن قرار گرفته یا سرزنش شده یا متهم بوده یا گناهکار باشی؛ که تصمیم دارم به سوی ستمگران شام حرکت کنم. دوست دارم در این جنگ با من باشی؛ زیرا تو از دلاورانی هستی که در جنگ با دشمن و برپاداشتن ستون دین از آنان یاری می‌طلبیم.<sup>۱</sup>

اساساً تشویق یا تنبیه قضات باعث می‌شود فرد خود را همواره در معرض آن ببیند و لذا سعی می‌کند وظیفه خود را به نحو احسن انجام دهد. این امر روند رسیدن به عدالت قضایی را سرعت می‌بخشد.

### ۵-۲. تفریق شهود و متهمان

در نظام حقوقی اسلام شهادت یکی از مهم‌ترین ادله اثبات دعوا به شمار می‌رود و در اصطلاح فقهی عبارت است از: «اخبار جازِمَ عَنْ حَقِّ لَازِمٍ لِلغیر، واقع مِن غَیر حاکِم»<sup>۲</sup>؛ یعنی شخصی غیر از قاضی، حقی را که به نفع دیگری است، به‌طور جزمی خبر دهد. حضرت امام خمینی 4 در تعریف شهادت کذب می‌نویسد: «شهادت کذب عبارت است از اینکه فردی به آنچه به او علم ندارد، شهادت بدهد یا نسبت به آنچه علم دارد، منکر شود»<sup>۳</sup>

۱. همان، نامه ۴۲

۲. شیخ محمدحسین نجفی؛ جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام؛ ج ۴۱، ص ۷.

۳. روح الله موسوی خمینی؛ المکاسب؛ ص ۶۹.

بنابراین گواهی شخص بر خلاف علم خود یا به آنچه به آن علم ندارد، در محضر مقامات قضایی و به قصد اخلال در مسیر اجرای عدالت قضایی یکی از موانع اجرای عدالت قضایی محسوب می‌شود. بر همین مبناست که در منظومه قضایی حضرت علی 7 بر لزوم شهادت صادقانه گواهان تأکید شده است. در این خصوص حضرت در تفسیر آیه ۲۸۲ سوره بقره (وَلَا يَأْبُ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا) می‌فرماید: «شاهد نباید وقتی برای شهادت دادن فراخوانده شد، امتناع ورزد؛ بلکه باید شهادت دهد و صادقانه هم شهادت دهد و از سرزنش هیچ سرزنشگری نترسد...»<sup>۱</sup> مردی نزد آن حضرت آمد و سؤال کرد: دو نفر یهودی بر اسلام یهودی دیگر شهادت داده‌اند؛ آیا گواهی آنان پذیرفته می‌شود؟ حضرت در پاسخ فرمودند: نه؛ زیرا یهودیان کلام خدا را تغییر داده و شهادت کذب می‌دهند.<sup>۲</sup> آنچه از این بیان قابل استفاده است آن است که از نظر حضرت، شهادت دروغ زمینه‌ساز انحراف ذهن مقامات قضایی از حق و واقعیت است؛ لذا به منظور پیشگیری از این موضوع شهادت دو نفر یهودی بر اسلام یهودی دیگر را نپذیرفتند.

سیره امام علی 7 در انجام تحقیقات مقدماتی و به‌طور خاص جداسازی شهود و متهمان از یکدیگر، یکی از راهکارهایی است که ایشان برای کشف حقیقت و احقاق حق اتخاذ کرده است؛ برای نمونه جوانی نزد شریح قاضی طرح دعوا کرد که پدرش تاجر بود و به همراه چهار تاجر دیگر به مسافرت رفت و در سفر درگذشت و مالی برای او به جا نگذاشت. شریح از متهمان خواست سوگند یاد کنند. آنان نیز سوگند خوردند و تبرئه شدند؛ ولی امام 7 دستور داد دادرسی تجدید شود و تحقیقات تازه‌ای صورت گیرد. چهار تاجر را جداگانه کنار ستون‌های مسجد نشانند و صورتشان را پوشاند؛ سپس یکی از آنان را فراخواند و پنهانی از او تحقیق کرد؛ پس از آن از مردم خواست تکبیر

۱. محمد بن حسن حرّ عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ص ۳۱۴.

۲. ابن میثم بحرانی؛ شرح نهج البلاغه؛ ص ۲۶۹.

بگویند. این شیوه تحقیق موجب تزلزل اظهارات دروغین متهمان شد و هر یک از آنان پس از شنیدن صدای تکبیر بلند مردم تصور می‌کرد که دیگران اعتراف کرده و حقیقت ماجرا را گفته‌اند؛ در نتیجه همگی به قتل پدر آن جوان اقرار کردند.<sup>۱</sup>

بدین ترتیب حضرت با صحنه‌سازی و جدایی انداختن بین متهمان، از پایمال شدن حق خانواده مقتول جلوگیری نمودند.

همچنین در خصوص تفریق شهود توسط حضرت آمده است: دختری بی‌گناهی را به نزد عمر آوردند و به زنا او گواهی دادند. آن دختر در کودکی پدر و مادر را از دست داده بود و مردی از او سرپرستی می‌کرد. آن مرد مکرراً به سفر می‌رفت. دختر بزرگ شد و به مرتبه زناشویی رسید. همسر آن مرد می‌ترسید شوهرش دختر را به عقد خود درآورد؛ از این رو حيله‌ای کرد و عده‌ای از زنان همسایه را به منزل خود فراخواند تا او را بگیرند و خود با انگشت بکارتش را برداشت. شوهرش از سفر بازگشت. زن به او گفت دخترک مرتکب فحشا شده و زنان همسایه را که در ماجرایش شرکت داشتند، جهت گواهی حاضر ساخت. مرد قصه را نزد عمر برد و مطرح نمود. عمر حکم نکرد و گفت: برخیزید نزد علی بن ابی طالب برویم. آنان برخاستند و همه با هم به محضر آن حضرت شرفیاب شدند و داستان را بیان داشتند. امیرالمؤمنین به آن زن رو کرد و فرمود: آیا بر ادعایت گواه داری؟ گفت: آری، بعضی از زنان همسایه شاهد من هستند و آنان را حاضر ساخت. آن‌گاه حضرت شمشیر را از غلاف بیرون کشید و جلو خود قرار داد و فرمود تمام زن‌ها را در حجره‌هایی جداگانه داخل کنند؛ آن‌گاه زن آن مرد را فراخواند و بازجویی کاملی از او به عمل آورد؛ ولی او همچنان بر ادعای خود ثابت بود. پس او را به اتاق سابقش برگرداند و یکی از گواهان را احضار کرد و خود روی دو زانو نشست و به وی فرمود: مرا می‌شناسی؟ من علی بن ابی طالب هستم و این شمشیر را که می‌بینی شمشیر من است. زن آن مرد

۱. محمدباقر مجلسی؛ حیاة القلوب؛ امامت، ص ۳۳۴.

بازگشت به حق نمود و او را امان دادم. اکنون اگر راستش را نگویی، تو را خواهم کشت. زن بر خود لرزید و به عمر گفت: ای خلیفه، مرا امان ده؛ الان حقیقت حال را می‌گویم. زن گفت: به خدا سوگند حقیقت ماجرا از این قرار است: چون زن آن مرد زیبایی و جمال دختر را دید، ترسید شوهرش با او ازدواج نماید؛ از این جهت ما را به منزل خود فراخواند و مقداری شراب به او خورانید و ما او را گرفتیم و خود با انگشت بکارتش را برداشت. در این موقع حضرت فرمود: الله اکبر؛ من اولین کسی بودم پس از حضرت دانیال که بین شهود تفرقه انداختم و از این راه حقیقت را کشف کردم؛ سپس بر تمام زنانی که تهمت به ناحق زده بودند، حد افترا جاری کرد و زن را وادار نمود دیه بکارت دختر را به او بپردازد.<sup>۱</sup>

#### ۶-۲. کشف علمی جرایم

کشف علمی جرایم شاخه‌ای از علوم جرم‌پایی است که با کشف جرم، شناسایی مجرم، تشخیص مجرم از غیر مجرم، اثبات دلایل و مدارک ارتکاب جرم و... به پلیس اجازه می‌دهد و رای ادله اثبات سنتی جرم، حقیقت را از طریق روش‌های نوین علمی کشف کند. کشف علمی جرایم یک روش شناخت مبتنی بر عقل عملی (کاربرد عقل در عرصه عمل و تجربه) است.<sup>۲</sup>

تتبع در سیره قضایی امام علی 7 بیانگر آن است که ایشان غیر از بهره‌گیری از ادله اثبات متعارف یعنی بینه، سوگند و قسامه، در قضایای پیچیده برای کشف حقیقت و رسیدن به واقعیت روش‌های گوناگون علمی را نیز به خدمت می‌گرفته است. اساساً امتیاز قضاوت‌های آن حضرت در این است که ایشان همزمان از ادله شرعی و ادله علمی بهره می‌جست. امام 7 با به‌کارگیری علوم و استفاده از امارات و قرآینی که موجب یقین و کشف حقیقت واقع می‌شود، آفاق جدیدی را به روی قضات گشوده

۱. ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۷، ص ۴۲۶.

۲. مهدی نجابتی؛ کشف علمی جرائم؛ ص ۱۰.

است؛ برای نمونه در حدیثی از امام باقر 7 نقل شده است: «در زمان حضرت علی 7 دو نفر زن همزمان بچه به دنیا آوردند. جنس نوزادها یکی پسر و دیگری دختر بود. زنی که دختر زاییده بود، پسر زن دیگر را برداشت و دختر نوزادش را به جای وی گذاشت و در نتیجه میان آن دو زن مراغه‌ای پیش آمد. حضرت دستور داد شیر مادران آن دو بچه را وزن کردند و پسر را به زنی که شیرش سنگین تر بود، واگذار کرد.<sup>۱</sup>

امام 7 در برخی مواقع در جهت حل دعوا از پزشکی قانونی بهره برده است؛ برای نمونه زنی به حضرت امیر شکایت برد که شوهرم عنین است؛ تکلیف را معلوم کنید. امام نشانی او را گرفتند و گفتند: چیزی در این رابطه به شوهرت نگو و بازگرد؛ آن‌گاه به یکی از اطبا فرمود: برو این مرد را پیدا کن و به بهانه‌ای او را به خانه خودت ببر، به طوری که نداند مقصود تو چیست. آن‌گاه نگذار در کار خیلی خسته شود. عصر او را برای استحمام به برکه آب سردی ببر و قبل از ورود در آب، وضعیت دستگاه تناسلی او را مشاهده کن. اگر پس از غوطه‌ور شدن در آب پوست بیضه او جمع شد، حکایت از سلامت اعصاب آن ناحیه دارد. از نظر استادان پزشکی قانونی، امروزه این آزمایش عکس‌العمل پوست بیضه در برابر سرما نامیده می‌شود که نشان‌دهنده سلامت دستگاه عصبی حاکی است.<sup>۲</sup>

### نتیجه‌گیری

این تحقیق کوشیده است با استعانت از سیره و آموزه‌های قضایی حضرت علی 7، در حد بضاعت خود در راستای تحقق عدالت در دستگاه قضایی راهگشا باشد. با مطالعه و بررسی سیره و سخنان حضرت علی 7 می‌توان بخشی از این موانع را شناسایی کرد. بر اساس تتبعی که در این پژوهش انجام گرفت، از نظر آن حضرت عواملی همچون ارتشا، شهادت کذب، پایین بودن سطح کیفی عملکرد قضات و اعمال نفوذ در دستگاه قضایی از

۱. ابو جعفر محمد بن علی شیخ صدوق؛ من لایحضره الفقیه؛ ج ۳، ص ۱۹.

۲. گودرز گودرزی؛ پزشکی قانونی در قضاوت‌های حضرت علی 7؛ ص ۳۵.



جمله مهم‌ترین موانع اجرای عدالت قضایی به‌شمار می‌روند که با بازنگری در نحوه جذب قاضی و نهادینه‌سازی نظارت مستمر و کارآمد بر آنها، تکریم جایگاه و منزلت قاضیان و تأمین نیازهای مالی آنان، ایجاد نظام پاداش و تنبیه و احیای پلیس علمی (قضایی) می‌توان گامی مهم و اساسی در جهت رفع این موانع برداشت.

## کتابنامه

\* قرآن کریم.

\* نهج البلاغه حضرت علی 7؛ ترجمه محمد دشتی؛ تهران: انتشارات اسوه، [بی تا].

۱. ابراهیم مصطفی؛ المعجم الوسيط؛ استانبول: دارالدعوه، ۱۴۱۰ق.
۲. ابن الاخوه، محمد بن احمد القرشی؛ معالم القربة فی أحكام الحسبه؛ [بی جا]: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۸ق.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ بیروت: مؤسسه تاریخ العربی، ۱۹۹۶م.
۴. ابن میثم بحرانی، کمال الدین؛ شرح نهج البلاغه؛ بیروت: دار الثقلین، ۱۹۹۹م.
۵. افلاطون؛ جمهور؛ ترجمه و تحقیق فؤاد رحمانی؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸.
۶. بولک، برنارد؛ کیفرشناسی؛ ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی؛ چ ۳، تهران: مجمع علمی و فرهنگي مجد، ۱۳۸۲.
۷. جبعی عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)؛ الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية؛ قم: انتشارات داوری، ۱۴۱۰ق.
۸. جرداق، جورج؛ امام علی 7 صدای عدالت انسانی؛ ترجمه سیدهادی خسروشاهی؛ قم: نشر خرم، ۱۳۷۵.
۹. جعفری، محمدتقی؛ ترجمه و تفسیر نهج البلاغه؛ تهران: چاپخانه حیدری، ۱۳۸۵.
۱۰. حرّ عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه؛ قم: مؤسسه آل البيت ، ۱۴۰۹ق.
۱۱. دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه فارسی؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مؤسسه لغت نامه دهخدا، ۱۳۸۷.
۱۲. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی؛ من لایحضره الفقیه؛ بیروت: مؤسسه اعلمی، [بی تا].

۱۳. طباطبایی، محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ترجمه سیدمحمد باقر موسوی همدانی؛ ج ۲۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۶.
۱۴. طریحی، فخرالدین؛ مجمع البحرين؛ تهران: نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶.
۱۵. طوسی، حسن بن علی، (خواجہ نظام الملک)؛ سیاست‌نامه، تصحیح عباس اقبال؛ تهران: اساطیر، ۱۳۶۹.
۱۶. عمید، حسن؛ فرهنگ عمید؛ تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷.
۱۷. فاضلی، سیدمحمد؛ عدالت اجتماعی از منظر امام علی 7؛ پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، قم: مدرسه عالی حجتیه، ۱۳۸۳.
۱۸. قربان‌نیا، ناصر؛ عدالت حقوقی؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۱.
۱۹. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ دار الکتب اسلامی، چ ۴، تهران: [بی‌نا]، ۱۴۰۷ق.
۲۰. گودرزی، فرامرز؛ پزشکی قانونی در قضاوت‌های حضرت علی 7؛ تهران: مؤسسه فرهنگی - انتشاراتی طالب، ۱۳۷۷ش.
۲۱. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی؛ حیاة القلوب؛ قم: انتشارات سرور، ۱۳۸۲ش.
۲۲. محدث نوری، میرزا حسین؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ بیروت: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ق.
۲۳. مصدق، محمد؛ «معیار گزینش قاضی از دیدگاه نهج البلاغه»، ماهنامه دادرسی؛ ش ۲۷، ۱۳۸۵.
۲۴. مطهری، مرتضی؛ بیست گفتار؛ تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۵۸.
۲۵. \_\_\_\_\_؛ اسلام و مقتضیات زمان؛ تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۵.
۲۶. موسوی خمینی، روح‌الله؛ المکاسب؛ قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۴۱۰ق.
۲۷. موسوی خویی، ابوالقاسم؛ مبانی تکملة المنهاج؛ ط ۳، قم: مؤسسه إحياء آثار الامام الخویی، ۱۴۲۸ق.

٢٨. نجابتى، مهدي؛ كشف علمى جرائم؛ ج ٣، تهران: انتشارات سمت، ١٣٨١ ش.
٢٩. نجفى، شيخ محمدحسن؛ جواهر الكلام فى شرح شرايع الاسلام؛ ط ٧، بيروت: دار الاحياء التراث العربى، ١٤١٢ ق.
٣٠. يزدى طباطبايى، سيدمحمدكاظم؛ العروة الوثقى؛ بيروت: مؤسسه الاعلمى للمطبوعات، ١٤٠٤ ق.